



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۲۷



محمد بشیر دودیال

اشرف غنی چه کرد ؟



دوکتور محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان یک چهره آشنا برای جهانیان و مردم افغانستان، از لحاظ تحصیلات عالی دارای دیپلوم PhD، تجربه کاری در ادارات مختلف (اعم از ملی و بین المللی) و چهره ای است دارای مطالعه در اقتصاد، علوم بشرشناسی، اداره، حکومتداری و سیاست. او موقعیت جیواکونومیک و جیو پولیتیک افغانستان را در شرایط فعلی به مقایسه هرکس دیگر بهتر میداند، ارزش منابع طبیعی و پوتنسیل قوی کشور را درک نموده، از اصول اقتصاد منطقوی که بحث جدید در روابط بین ممالک است، آگاهی دارد، پروژه های آینده در منطقه را پیش بینی میتواند و از قدرت های جدید و نوظهور در منطقه و حیثیت فعلی و آینده انتلانتیزم و ابرو- آسیا نیز آگاه است. با جهانیان با فصیح ترین زبان مذاکره می نماید، شخص قاطع و همزمان با آن انعطاف پذیر و دور اندیش است، اما با ان هم طی چند سال اخیر از طرف مخالفینش با نام هایی مانند قبیله گرا، فاشیست، غلام حلقه بگوش، چاکر غرب، عیسوی، مورد عتاب و اهانت قرار گرفته است و با نزدیک شدن انتخابات دور چهارم ریاست جمهوری افغانستان و تداوم پروسه مذاکرات ایالات متحده با طالبان هدف اصلی مخالفان سیاسی داخلی، طالبان، داعش، استخبارات ممالک همجوار قرار گرفته است. این موضعگیری ها پرخاشجویانه تر و هرچه تندتر میگردد. فضای سیاسی کشور و منطقه پر آشوب است.

آشوب های سیاسی و منفعت جویی های سیاست !

پس این سیاست که دارای معجزه های حیرت آور، راست و چپ های مبهم، پیچیدگی ها و غامضه های مغلق است، تعریف و شناخت ساده آن چیست؟ مختصراً بدان می پردازیم:

یکی از مفاهیم و تعاریف بسیار ساده سیاست چنین است: سیاست عبارت از مهارت اعمال نفوذ، اداره و کنترل اکثریت افراد، گروهها و رقبای اپوزیسیون و مخالفان از طریق عزم و اراده قوی است. هدف اساسی سیاست تلاش و دستیابی برای کنترل کار های دیگران می باشد. توانایی کنترل دیگران و قدرت موضوع بنیادی سیاست است. اساساً سیاست به معنای رقابت اجتماعی با اتکا به زور نیست، زیرا این مفهوم خارج از نظاممندی دموکراسی است و با آن تعارض معنایی دارد.

سیاست دانشی است که از شهر(ولس) و مناسبات عرفی اتباع و هموطنان بحث میکند چه بسا فرایند تصمیم جمعی را سیاست می گویند و سیاست، فعالیت و کارهایی است که برای رسیدن به آزادی صورت میگیرد. سیاستمدار در پهلوی رعایت قانون ملکف به اخلاق نیز میباشد.

سیاست با تدوین ساختار قدرت دولت سر و کار دارد، اداره ابرازی برای تطبیق سیاست ها میباشد. وظیفه سیاست طرح پالیسی ها و وظیفه اداره عامه تطبیق این پالیسیها به گونه اقتصادی مثر و حاصل بخش میباشد. میتوان از سیاست جهانی، سیاست ملی، سیاست اقتصادی، سیاست منطقوی، سیاست کلتوری... صحبت نمود، ولی هدف در اینجا تماس روی سیاست ملی افغانستان است.

افغانستان از لحاظ سیاست منطقوی کشورهای منطقه و قدرت های بانفوذه منطقه مورد توجه و حتی در تمرکز تلاش های سیاسی قرار دارد.

دوکتور اشرف غنی غرض نجات کشور از این منجلا ب، نخست کوشید با همسایه های بداندیش از راه تساند و مفاهمه پیش آید، او برای بار نخست از روابط دولت با دولت یاد آوری نمود، درین زمینه به اصول ویستوفالی اشاره نمود. او کنفرانس قلب آسیا و ریکا ۱-۸ را غرض جلب توجه کشورهای منطقه به موقعیت بس مهم و حساس افغانستان برگردانید؛ از صنعت چهارم حرف زد، چه عده ای از کشورها واقعاً خواستند که قلب پرتپش آسیا صحت یاب گردد، تا گشاد آسیا تضمین گردد، ولی عده ای دیگر میخواستند فساد آسیا را هدف قرار دهند که باز هم توجه شان به این خطه تاریخی است. هستند عده ای که قدرت اقتصادی شان را در ضعف اقتصاد ما می بینند و قدرت نظامی شان را در اضمحلال دایمی اردوی ما. عده ای هم منتظر فرصتهایی اند تا منابع طبیعی و از آن جمله آبها و ابروی ما را در اختیار شان داشته باشند. دوکتور اشرف غنی طی تلاشهای متداوم؛ کشورهای منطقه را متوجه ساخت که ثبات سیاسی درین کشور و حتی در منطقه موضوع حیاتی شان است، اما با وجود آن هم برخی دیگر کاملاً برعکس آن، تلاش دارند تا زحمات اشرف غنی را هدر داده منافع شان را در بی ثباتی و آشوب جستجو نمایند.

چند سال قبل از امروز به صورت [واضح] (تکیه کلام) وضاحت دادند که باید منطقه را عوض مرکز تروریزم و مواد مخدر به چهارراهی مدنیت، تجارت و فعالیت های اقتصادی تبدیل نماییم.

او گفت: افغانستان میتواند نقطه اتصال گردد، این هدف به زیان هیچ کس نبوده، بلکه به مفاد همه است. او از پوتانیسیل قوی افغانستان گفت و از شراکت ستراتیژیک یادآوری نمود، خواست او اجماع منطقوی برای رشد کشورش و توسعه همکاری های منطقوی بود. از تشریح این موقعیت به افغانستان عزت داد و با طراحی چندین بند آبگردان و بندهای انحرافی میخواست منابع آب را مدیریت بهتر و هزاران پروژه زیربنایی و باز کردن مسیرهای هوایی، زمینی و حتی راه آبهای بین المللی را برای تجارت گشود.

اشرف غنی آب افغانستان را آبروی هموطنان تعریف نمود و گفت پیشرفت زراعت و صنعت ما به این آب ها وابسته است؛ اشرف غنی با جدیت مصمم است که آب های افغانستان را طبق یک ستراتیژی علمی مدیریت نماید، آنچه یک عده ایرا در تشویش و هراس افکنده است.

دوکتور اشرف غنی امید به آن بست تا افغانستان حلقه مهمی برای راه ابریشم و پروژه یک را یک کمر بند گردد، ایجاد بندر چابهار و توسعه شبکه خط آهن، برنامه های صدور محصولات زراعتی کشور، برنامه ها برای معادن، سرمایه بشری و اجتماعی را در اولویت قرار داد.

اکنون کشورهای منطقه به افغانستان به نحوی بیست سال قبل نمی بینند، بلکه به ارزش و نقش نوین آن پی برده اند. همسایگان بدخواه که طی چهل سال افغانستان لگدمال شده در جنگ ها را به دیده حقارت می دیدند، وقتی صحبت ها و افکار دوکتور اشرف غنی را می بینند و می شنوند، به حیرت اندر می شوند، حتی از گفته های او می آموزند. در داخل کشور دوکتور اشرف غنی به مردم روحیه و امید بخشید، نسل جوان را سازندگان افغانستان نوین خواند و از آنها خواستار طرح های شان شد، زنان را به توانمندی شان مطمئن ساخت، از فقرا حمایتش را اعلام نمود. طی جلسات رسمی به اعضای حکومت آینده های علمی داد، او در مجالس وزراء و سران ادارات با ارائه صحبت های عالمانه تفکر منطقی را ترویج نمود و در ایجاد یک سطح لازم کلتوری به جرأت قدم نهاد (آنچه از بین رفته بود)، او با ادبیات فشرده، ولی پر معنی یک سبک جدید صحبت نمودن و تفکر علمی را معرفی و سیاسیون را با قضایای جدید سیاسی آشنا نمود، اما در استفاده از تکنوکراسی مثل ها و شعر و رباعیات می لغزد و حروف حلقی را درست ادا نمی نماید که این ناشیانه گی باعث طعنه برای او میگردد. میخواهد اعضای اداره اش را متکی به نیروی شان سازد و برایشان احساس خدمتگذاری را تلقین نماید، ولی مفاهمه غیر شفاهی او فضای یک صنف درسی را تصویر می نماید، او میخواهد یک اداره نوین ایجاد نماید و در فکر دولت/حکومت رفاه است، ولی عده ای از اعضای کم شنو شورا، قضا و مدیران اداره اش هنوز در فکر جیب اند که از دریافت معانی این خواسته های رئیس دولت شان عاجز است.

او تصمیم دارد تا اوباشان محلی را بجای شان بنشاند، ولی در مقابل نویدکها، قوماندان قیچی و یکی دوتای دیگر دفعه‌اً شاگرس نمود!

این کشمکش و تمایلات متباعد فضای اداره او را چهره غیر منتظره داده است. دوکتور اشرف غنی با آن عده که از جنگ تغذیه می کنند؛ به مقابله برخاسته، آنها دیگر نمی توانند در همه چیز برای خود سهمیه جدا کنند؛ او برای بدست آوردن این سهمیه ها از قدرت مافیایی شان کاست، ولی این عمل قهر خیلی از شاخداران پلاستیکی را برانگیخته است و به او دشنام سر دادند.

❖ در مورد تعیین آینده او متیقن است که با انتخابات، یک دولت منتخب تأسیس می شود که صلاحیت حقوقی دارد تا از مردم در مذاکرات صلح، تصمیم گیریهای بزرگ، بازسازی و رهگشایی به سمت فردا نمایندگی کند؛ او در مقابل فشار های بیرونی مقاومت بی نظیر نمود، ایستادگی او به تنهایی، جهانیان را نه تنها اینکه به حیرت اندر ساخت، بلکه عده زیادی به او دست دادند تا افغانستان منحصیث یک ملت، آینده اش را خود تعیین نماید و در خانواده ملل جای رفیع اخذ نماید. او بیرق ملی و اردوی سرفراز را از واژگونی و اضمحلال رهانید،

❖ او میگوید افغانستان آن توانایی و منابع اقتصادی را دارد که بخود متکی شود و هیچگاه دیگر دستنگر نخواهد شد؛

❖ او در مقایسه با امارت، جمهوریت را پسندید،

❖ او تلاش می نماید تا به جهانیان ثابت کند که افغانها حق زندگی آبرومند و به شیوه معاصر را دارند، این یک گروه کوچک است که ملت افغانستان را بدوی و تحول ناپذیر وانمود ساخته اند.

❖ او در روابط بین الملل از یکجانبی به چند جانبی وسیع البنیاد در حرکت است.

- ❖ او درین حرکت افغانستان می تواند داریی های بلیون دالری اش را مال خود بسازد و از دهن غول سرمایه و کمپنی های چپاولگر برهاند.
- ❖ او با یاد اوری از ارمانهای مشروطه و فصل ناتمام امانی میخواد افغانستان را به مرکز ثقل آسیا تبدیل و درین راه به کشورهای آسیای میانه امید قوی بخشید.
- ❖ او بحثهای ملی را مورد اجماع قرار میدهد و به ولس (اتباع) دانش سیاسی میدهد و بالای استقلال اقتصادی، سیاسی، هویتی و فکری این ملت می اندیشد. حق تعیین سرنوشت، آن حق به یغما رفته ملت را دوباره اعاده می نماید،
- ❖ او خود را از حلقه حواریون بیرون کرده و به کافه ملت می نگرده، به همین دلیل عده ای از او رو برگردانند.
- ❖ دوکتور اشرف غنی بعد از چهل و هفت سال جنگ، خواهان صلح عادلانه و پایدار مطابق منافع ملی است،
- ❖ او نمی خواهد بحران به تعقیب بحران رونما گردد، بلکه باید ثبات استحکام یابد.
- ❖ او با اندام نسبتاً ضعیف، ولی ارده قوی در مقابل مهلک ترین تهدید ها استوار ایستاده است، و واضحاً (تکیه کلام) میگوید که نه تنها تسلیم نمی شویم، بلکه فقر و گرسنگی را نیز از بین می بریم.
- در سطح ملی تامین صلح پایدار، سرکوب مافیای اقتصادی و سیاسی، حساب دهی و حساب خواستن، تحقق عدالت اجتماعی، وحدت سراسری، احترام به قانون، دوام اصلاحات، تبدیل نمودن کشور در عرصه جهانی به یک شخصیت حقوقی قابل احترام، کاهش وابستگی به کمک های خارجی را هدف قرار داده و سرمایهگذاری روی سکتور ساختمان و انرژی، نیروی بشری و منابع طبیعی را اولویت می شمارد.
- ❖ او به چهره، شناخت، قوم، زبان، نمی نگرده او به دیپلوم و صداقت و دانش می نگرده.
- ❖ او به نهاد سازی می اندیشد.
- ما منتظر این میباشیم و هستیم تا او یک کتاب دیگر (به تعقیب دولت های ناکام) بنویسد:
- مشکلات دولت سازی و راه های موثر آن

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

اشرف غنی چه کرد؟

[dodiaal_mb_۱۱۹_ashraf_ghani_tshi_kard.pdf](#)